



پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی

جلد هفتم

## جنگ‌های صلیبی، مسیحیت و اسلام

پروفسور جان‌اتان ریلی اسمیت

مترجمان: دکتر عبدالله ناصری طاهری

نسرین علیزاده

شبرخ رضایی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۲

رایلی، اسمیت، جاناتان سایمون کریستوفر، ۱۹۳۸- م.  
جنگ‌های صلیبی، مسیحیت و اسلام / جاناتان رایلی اسمیت؛ مترجمان عبدالله ناصری طاهری، نسرین علیزاده،  
شبرخ رضایی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.  
۷ج: - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۲۵۷: تاریخ: ۵۵)  
بها: ۴۴۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-007-6 (۷ج)  
ISBN: 978-600-298-000-7 (دوره)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه به صورت زیرنویس.  
بالای عنوان: پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی.  
نمایه.

۱. جنگ‌های صلیبی. ۲. مسیحیت و ادیان دیگر. ۳. اسلام و مسیحیت. الف. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹-  
، مترجم. ب. علیزاده، نسرین، ۱۳۴۳- ، مترجم. ج. رضایی، شبرخ، ۱۳۶۵- ، مترجم. د. پژوهشگاه حوزه و  
دانشگاه. ه. عنوان.  
۱۳۹۲ ۹ ج ۲۵ / ۱۵۷ D ۰۷ / ۰۹  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۷۰۴۸۸۶



### پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی (۷ج): جنگ‌های صلیبی، مسیحیت و اسلام

مؤلف: پروفسور جاناتان رایلی اسمیت

مترجمان: دکتر عبدالله ناصری طاهری، نسرین علیزاده و شبرخ رضایی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰  
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ اسلام»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، «تاریخ ادیان» و «روابط بین‌الملل» در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ جنگ‌های صلیبی و مسیحیت تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مترجمان محترم، جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و همچنین خانم‌ها نسرین علیزاده و شبرخ رضایی و نیز ارزیابان محترم اثر، جناب آقای دکتر صادق آئینه‌وند و دکتر محمدرضا شهیدی پاک تشکر و قدردانی نماید.

## فهرست مطالب

.....	سخن مترجم	۱
.....	مقدمه	۳
.....	فصل اول: جنگ‌های صلیبی به مثابه جنگ‌های مقدس مسیحی	۱۳
.....	فصل دوم: جنگ‌های صلیبی در مقام جنگ‌هایی برای توبه	۴۱
.....	فصل سوم: جنگ صلیبی و امپریالیسم	۶۵
.....	فصل چهارم: صلیبی‌گری و اسلام‌گرایی	۸۹
.....	نتیجه	۱۱۱
.....	احیا و بقا	۱۱۲
.....	ذهنیت صلیبیان از شرق (۱۰۹۵-۱۳۰۰م)	۱۱۶
.....	مورخان و جنبش صلیبی	۱۳۶
.....	نمایه اماکن	۱۵۱
.....	نمایه اعلام	۱۵۹



## سخن مترجم

نویسنده کتاب حاضر «جاناتان ریلی اسمیت»<sup>۱</sup> از مورخان و تاریخ‌پژوهان پرآوازه انگلیسی و از بنیانگذاران انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین (اختصاری SSCLE)<sup>۲</sup> در آمریکا است و در فاصله سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۵ م، ریاست این انجمن را بر عهده داشته است. تلاش‌های علمی این مورخ هشتادساله بریتانیایی که اینک از فعالان علمی دانشگاه کمبریج است، بیشتر بر حوزه تاریخ جنگ‌های صلیبی متمرکز است. او خود می‌گوید: «کار خود را از سال ۱۹۶۰ م، با مطالعه بر روی فرقه‌های نظامی آغاز کردم و پس از یک دهه، تاریخ پادشاهی صلیبی بیت‌المقدس را دنبال نمودم. از آن پس بود که اساساً به تئوری جنگ صلیبی و مبانی فکری و حقوقی آن تمایل پیدا کردم». بیش از یکصد کتاب، مقاله، سخنرانی علمی و راهنمایی پایان‌نامه در کارنامه علمی این مورخ و مشهور غربی ثبت است. کتابی که اینک ترجمه آن پیش‌روست *Christianity and Islam* و *The Crusades* — جنگ‌های صلیبی، اسلام و مسیحیت — از جدیدترین آثار جاناتان ریلی اسمیت (چاپ ۲۰۰۸) است.

این کتاب کوچک، نسخه‌نهایی سخنرانی‌های ایرادشده او در دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۷ م، است که با ویرایش نهایی در سال ۲۰۰۸ م، به چاپ رسید. او در این کتاب سیر عملیات استعماری غرب در شمال آفریقا و حوزه شرق دریای مدیترانه را در سده‌های هجدهم، نوزدهم و بیستم، که معتقد است از نظر غربی‌ها امتداد جنگ‌های صلیبی است تبیین می‌کند. مانند اشغال الجزایر، حمله اسپانیا به مراکش در نیمه قرن نوزدهم و...

---

1. Jonathan Riley Smith

2. The Society for the Study of the Crusades and the Latin East

جاناناتان معتقد است اروپایی‌ها در عصر استعمار ادبیاتی ویژه را برای جنگ‌ها اختصاص دادند و با لفاظی‌های قرن نوزدهم، که تحریف واقعیت تاریخی بود، ادبیات تاریخی را منحرف کردند. پیام صریح نویسنده این است: «ما نباید امیدوار باشیم که می‌توانیم کسانی را که تا این حد از ما متنفرند (یعنی مسلمانان را) درک و با آنان مقابله کنیم، مگر آنکه با طرز تفکر آنها آشنا شویم. این کار مستلزم گشودن چشم به واقعیت‌های گذشته خودمان است، نه به واقعیت‌های تخیلی». به این کتاب جاناناتان، سه مقاله از او که مرتبط با موضوع است ضمیمه شده است. «احیا و بقا»، «ذهنیت صلیبیان از شرق» و «مورخان و جنبش صلیبی» ترجمه عربی این مقالات سه‌گانه است که از سوی تاریخ‌پژوه معروف مصری دکتر قاسم عبده قاسم در مجموعه‌ای با عنوان تاریخ الحروب الصلیبیه (قاهره، ۲۰۰۷) چاپ شده است. نگاه عالمانه و منصفانه جاناناتان ریلی اسمیت به مناسبات تاریخی اسلام و مسیحیت و از جمله، جنگ‌های صلیبی، امتیاز ویژه این مورخ است.

امید است نشر این کتاب به زبان فارسی برای علاقه‌مندان به تاریخ جنگ‌های صلیبی و مناسبات اسلام و مسیحیت مفید باشد. در پایان از سرکار خانم‌ها نرگس علیزاده و شبرخ رضایی که تلاش خوبی در برگردان آغازین این کتاب داشته‌اند و فرصت را مغتنم شمرده از مدیر گروه تاریخ و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه انتشار اثر را فراهم نمودند سپاسگزاری می‌نمایم.

عبدالله ناصری طاهری

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)

و

انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین

زمستان ۱۳۹۰



## مقدمه

اولین جنگ‌های صلیبی میان سال‌های ۱۰۹۶ تا ۱۱۰۲م، اتفاق افتاد. این جنبش‌های صلیبی که از اواخر سده دوازدهم تا اواخر سده چهاردهم مردمی‌ترین شکل خود را داشت، تا سده‌های پانزدهم و شانزدهم کم‌وبیش ادامه یافت. آخرین جامعه صلیبی که بازپس‌گیری آن از دست ترکان آغاز شد، جامعه مقدس<sup>۱</sup> از مجموعه کشورهای بالکان<sup>۲</sup> در سال‌های ۱۶۸۴ تا ۱۶۹۹م، بود. همچنین آخرین فرقه نظامی از ارتش منظم دولتی که در سال ۱۷۹۸م، مغلوب ناپلئون شد، میهمان‌نوازان مالتا<sup>۳</sup> نام داشت. بعدها در سال ۱۸۹۰م، یک ارتش نظامی جدید تأسیس شد، هرچند چنان که خواهیم دید این ارتش نیز دوام چندانی نیافت. ما با جنبشی مواجه هستیم که صدها سال حاکم بوده و زندگی نیاکان همه کسانی که از نژاد اروپای غربی‌اند و بسیاری از نژادهای اروپای شرقی، یهودیان و همچنین مسلمانان امروز را تحت تاثیر قرار داده است. در رابطه با این تجربه جمعی که از نیاکان به جا مانده، هیچ‌کس نمی‌تواند احساس آرامش کند، ولی از نظر عقلی و اخلاقی، وظیفه تاریخ‌سازانی که این تجربه جمعی را به وجود آوردند، بس دشوار بوده است. در سی سال آخر جنبش، برداشت جنگجویان از یک باور راسخ، رو به زوال گذاشت. این باور که جنگ فقط به میدان‌های عملیاتی در مدیترانه شرقی محدود می‌شود و علت آن مقابله با مسلمانان<sup>۴</sup> به عنوان دشمن است، تغییر کرد. چرا که از نظر آنان مسلمانان

---

1. the holy heague

2. Balkans

3. hospitaller Malta

۴. ر.ک:

Jonathan Riley-Smith, *What Were the Crusades?*, 3<sup>rd</sup> ed. (Basingstoke, 2002), pp.xi-xii; Norman Housley, *The Later Crusade, 1274-1580: From Lyons to Alcazar* (Oxford, 1992), pp.2-6; Norman Housley,

نقش محوری خود را از دست می‌دادند و بیشتر آنان آرمان‌ها و عقاید صلیبی‌ها را می‌پذیرفتند.<sup>۱</sup> هرچه این باور در دل جنگجویان بیشتر رنگ می‌باخت، آنان بیشتر خود را ضد جهانی،<sup>۲</sup> یا دست‌کم ضد جهان مسیحیت<sup>۳</sup> می‌یافتند، زیرا برداشت آنها از حقایق جنگ‌های صلیبی تقریباً با هر کس دیگر، از رهبران روحانی و عالمان دیگر حوزه‌ها گرفته تا عامه مردم، در تضاد بود. در بررسی این‌گونه تضادها می‌توان گفت که جنگ‌های صلیبی از جهات بسیار درخور چندان اعتباری هستند؛ چرا که این جنگ‌ها مانند همه جنگ‌های مذهبی با هرج‌ومرج و شقاوت همراه بودند. از سوی دیگر، اعزام‌های نظامی که در این جنگ‌ها صورت می‌گرفت به نوعی سفرهای زیارتی هم به حساب می‌آمد، به همین علت شرکت در آن بر همگان از گناهکاران تا قدیسان، به‌ویژه گناهکاران آزاد بود و هیچ سازوکاری برای غربالگری به منظور شناسایی افراد نامناسب، که احتمالاً جامعه‌ستیزان را هم دربر می‌گرفت، وجود نداشت. به‌طوری که در یک پیشروی نظامی، پاپ‌هایی که به این جنگجویان عامی اختیاراتی داده بودند، کنترل آنان را از دست دادند. در واقع افراد عادی مورد اعتماد رهبران در این حوزه، همان داوطلبانی بودند که ساختن حلقه‌های رهبری با کفایت را دشوار می‌کردند. روش‌های ترغیبی مورد استفاده در سربازگیری، به قدری روان مردان را آشفته می‌ساخت که برای مدت مدیدی آنان را در معرض تنش و از خود بیگانگی قرار می‌داد. هرچند سخت بتوان از روان‌پزشکی

---

*Contesting the Crusades* (Oxford, 2006), pp.1-23; Giles Constable, "The Historiography of the Crusades", *The Crusades from the Perspective of the Byzantium and the Muslim World*, Angeliki Laiou and Roy Mottahedeh (ed.) (Washington, DC, 2001), pp.10-16; Alexander P. Bronisch, *Reconquista und Heiliger Krieg: Der Deutung des Krieges im Christlichen Spanien von den Westgoten bis ins fruhe 12. Jahrhundert* (Munster, 1998), pp.201-229.

۱. برای مثال:

Marcus Bull, *Knightly Piety and the Lay Response to the First Crusade: The Limousin and Gascony, c.970-c.1130* (Oxford, 1993); Marcus Bull, "Views of Muslims and of Jerusalem in the Miracle Stories, c.1000-c.1200: Reflections on the Study of the first Crusaders' Motivations", *The Experience of Crusading: vol.1*, Marcus Bull and Norman Housley (ed.) (Cambridge, 2003); Jonathan Riley-Smith, *The First Crusaders, 1095-1131* (Cambridge, 1997); Jonathan Riley-Smith, *The Crusades: A History*; James Powell, *Anatomy of a Crusade* (Philadelphia, 1986); Simon Lloyd, *English Society and the Crusade, 1216-1307* (Oxford, 1988); Caroline Smith, *Crusading in the Age of Joinville* (Aldershot, 2006).

2. contra mundum

3. contra mundum christianum

جنگ‌های مدرن درس‌هایی برگرفت و در موقعیت‌هایی مربوط به صدها سال پیش به کار برد. با این حال، چنین به نظر می‌آید که داوطلبان عادی احتمالاً بیشتر از سربازان وظیفه از خود بی‌رحمی نشان می‌دادند و اینکه قرار گرفتن در معرض استرس به مدت طولانی برای کارآمدی و نظم، عامل مضرری به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup>

به کارگیری موازینی برای کسب اطمینان و کنترل بیشتر، از قرن سیزدهم شروع شد. جنگجویان عازم به مدیترانه شرقی<sup>۲</sup> باید از طریق دریا منتقل می‌شدند، این موضوع باعث کاهش تعداد غیر نظامیان عازم جنگ می‌شد؛ زیرا فقرا قادر به پرداخت هزینه این سفر دریایی نبودند، و نتیجه آن، تجارت ارتش از دارودسته افراد ناآزموده بود که خود عاملی برای طراحان جنگ شدند، تا راجع به پشتیبانی‌های نظامی سهل‌الوصول، تدبیری بیندیشند. تصمیم پاپ مبنی بر به دست آوردن مبالغ هنگفت از طریق مالیات‌بندی‌های کلیسا و اهدای آن به فرماندهانی که گروه خود را از دریا گسیل می‌دادند، وسیله‌ای برای پرداخت یارانه به جنگجویان، از سوی فرماندهان شد و بدین‌سان آنان را مطیع‌تر ساخت.<sup>۳</sup> در عین حال، با رواج پیمان‌ها در جوامع صلیبی از ۱۳۳۰م، به بعد، این روند دولت‌ها را قادر ساخت تا از این نیروهای «منظم» (اگر بتوان این اصطلاح را به کار برد) برای تدوین مبانی جنگ‌های صلیبی با استفاده از اصول جنگی تخصصی‌تر بهره‌گیرند.<sup>۴</sup> چرا که شکاف بزرگی میان مسیحیان نیروهای دریایی سازمان نیافته قرن دوازدهم به وجود آمده بود که در نبرد لپانتو سال ۱۵۷۱م، شرکت داشتند، یا میان سپاهیان جامعه مقدس که در دهه ۱۶۸۰م، درصد بازپس‌گیری مجارستان بودند، تفرقه ایجاد شده بود.

با این تدابیر، روشن است که جنگ‌های صلیبی در اواسط سده‌های میانه بیشتر شکل صلیبی به خود گرفتند تا ظلم و بی‌نظمی، اما هیچ‌چیز نمی‌تواند تأثیری را که آن سپاهیان بی‌قانون در اذهان مردم امروز باقی گذاشتند، پاک کند. در میان نوادگان آنان، کسانی که خود را

1. Peter Watson, *War on the Mind: The Military Use and Abuse of Psychology* (London, 1978), p.246; John Keegan, *The Face of Battle* (London, 1976), pp.327-329.

2. levant

۳. ر.ک:

William E. Lunt, *Papal Revenues in the Middle Ages* (New York, 1934), I: 71-77; William E. Lunt, *Financial Relations of the Papacy with England* (Cambridge, MA, 1932-1969), I: 240-460, 2: 75-168; Lloyd, *English Society*, pp.134-153.

4. Housley, *The Avignon Papacy*, pp.59-241.

متضرر آن حوادث می‌دانند، مانند مسلمانان و ارتودکس‌های یونانی، داستان‌های اسطوره‌ای (واژه‌ای که از سوی دکتر گری دیکسون در متن دیگری به کار رفته) شکل گرفته است که خاطرات سختی‌های واقعی آن دوران مدت‌ها پس از وقوع، با دادن شاخ و برگ، یا حتی با بازسازی آن بیان شده است.<sup>۱</sup> بینشی که اغلب مسلمانان کنونی از جنگ‌های صلیبی دارند، چنان که خواهیم دید فقط به اواخر سده نوزدهم برمی‌گردد. در واقع شکل‌گیری این برداشت به احساسات قبلی از خود بیگانگی حاصل از امپریالیسم برمی‌گردد. در مورد یونانی‌ها، این برداشت حاصل ناکامی غرب در کمک به تهمانده امپراتوری بیزانس در سال ۱۴۵۳م — دو و نیم قرن پس از غارت قسطنطنیه در چهارمین جنگ صلیبی — بود و همین‌طور به نظر می‌رسد که آزرده‌گی ایجاد شده بر اثر یوغ عثمانی‌ها طی سال‌های متمادی، تلخ‌کامی‌هایی را دامن زده باشد، گرچه رنجی که به کلیسای یونان به علت عدم پذیرش تقاضای آشتی با مسیحیت لاتینی براساس شرایط دستگاه پاپی روا داشته شد، حقیقت دارد.

عکس‌العمل‌های یهودیان کنونی که بیش از هر جامعه دیگری خواهان آنند تا خود را قربانیان بی‌گناه جنگ‌های صلیبی!! قلمداد کنند، پیچیده‌تر است. از این میان می‌توان قتل‌عام‌هایی که باعث عزیمت شمار بسیاری از جنگجویان به شرق در میانه‌های قرون وسطا شد، نام برد و همین‌طور یهودیانی که رنج‌هایشان را در آیین نماز آشکنازی<sup>۲</sup> گرامی می‌دارند نشانگر تمایل ذاتی آنها برای پیوستن به هولوکاست<sup>۳</sup> ۱۹۴۰م، از میان سلسله وقایع هولناک حوادث در طول بیش از هشت و نیم قرن است.<sup>۴</sup> در سی سال اخیر، با اینکه رویکرد دقیق‌تری از شکنجه‌های آن دوران برای تاریخ‌نگاران آشکار شده است،<sup>۵</sup> و این در حالی است که صهیونیست‌هایی که اکنون به

1. Gary Dickson, *The Childrens' Crusade* (Basingstoke, 2008), pp.3-6.

۲. Eva Haverkamp در مقدمه‌اش بر چاپش از:

Herbaische Berichte uber die Judenverfolgungen Warend des Ersten Kreuzzugs, *MGH Hebraische Texts aus dem Mittelalterlichen Deutschland I* (Hanover, 2005), pp.14-24.

3. Holocaust

۴. برای تفسیر منتقدانه از این نگرش ر.ک:

Robert Chazan, *Medieval Stereotypes and Modern Anti-Semitism* (Berkeley, 1997).

۵. ر.ک:

Robert Chazan, *European Jewry and the First Crusade* (Bekerley, 1987); Jeremy Cohen, *Sanctifying the Name of God: Jewish Martyres and Jewish Memories of the First Crusade* (Philadelphia, 2004).

پایگاه‌های ایجاد شده در شرق از سوی جنگجویان صلیبی توجه نشان می‌دهند نسبت به گذشته، رفتار بهتری نسبت به آنان دارند و بررسی این وقایع نشان می‌دهد که اعتقادات راسخ کنونی، بازتابی از چگونگی تفسیرهای تاریخی است. برای مثال بنیان‌گذاری دولت [اشغالگر] اسرائیل در محدوده‌ای که بخش زیادی از آن از سوی پادشاهی صلیبی بیت‌المقدس اشغال شده بود، منجر به جلب توجه عالمان و عامه به تاریخ و نهادهای آن پادشاهی شد. بدین ترتیب توجه به تاریخ و نهادهای پادشاهی که قبلاً به شکلی بسیار غیر منصفانه با دستاوردهای صهیونیسم مدرن مقایسه می‌شد، اکنون بسیار بهتر به نمایش گذاشته می‌شود، به طوری که حتی جایگاه‌های بسیار کم اهمیت «جنگ صلیبی» در [فلسطین اشغالی، یعنی] اسرائیل امروزه به مراکز جهانگردی تبدیل شده‌اند، پروفیسور رونی النبام، سلسله‌مراتب نگرش به تاریخ را چنین توصیف کرده است:

وقتی با نگرش یهودی تاریخ را می‌خوانم به کشتار جوامع یهودی در راین لند به سال ۱۰۹۶م توجه می‌کنم، از دید صهیونیستی، مطالعه جنگ‌های صلیبی، یعنی تمرکز نگرش بر آن به عنوان تجسمی قرینه از نهضت آینده صهیونیستی، و بالأخره مطالعه جنگ‌های صلیبی به عنوان تاریخ کشور خودم و تا حدی بخشی از گذشته خودم است.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، کلیسایان مسیحی پیشرو در سنت غربی — کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها — نه تنها از واقعیت جنگ‌های صلیبی شرم‌نده‌اند، بلکه حالتی از خودانکاری هم دارند. آنان با شرمساری از این بخش از گذشته خود، اهمیت آن را کم‌ارزش جلوه می‌دهند و اصرار می‌ورزند که این جنگ‌ها ارتباط ناچیزی با دین آنان دارد. به تازگی در یک سخنرانی، اسقف اعظم کانتربری اظهار کرد که: «امروز اغلب مسیحیان می‌گویند که... جنگ‌های صلیبی... خیانت‌های جدی به باورهای کانونی اعتقادات مسیحی بود».<sup>۲</sup> سخنان او بازتابی از اظهارات پژوهشگر تاریخ کلیساها در آکسفورد بود، او ابراز کرده بود که صلیبیان «دوره‌ای عجیب به طول چند قرن را پایه‌گذاری کردند که در آن مسیحیت غرب از سر میل، اصول اساسی همچون عشق و بخشش را نادیده گرفت».<sup>۳</sup> در اینجا باید خاطر نشان کرد که پاپ ژان پل دوم هم که هرگز به خاطر

1. Ronnie Ellenblum, *Crusader Castles and Modern Histories* (Cambridge, 2007), p.61.

۲. سخنرانی ارائه شده در دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد پاکستان.

Rowan Williams, "Archbishop of Canterbury", *What is Christianity?*, November 23, 2005, [www.archbishopofcanterbury.org/sermons\\_speeches/2005/051123.htm](http://www.archbishopofcanterbury.org/sermons_speeches/2005/051123.htm).

3. Professor Diarmaid McGulloch, "In Publicity Material for Christopher Tyerman", *God's War: A New History of the Crusades* (London, 2006).

جنگ‌های صلیبی عذرخواهی نکرد، تلویحاً نشان داد به احتمال زیاد با این سخن موافق است. مسئله من با نمایندگان اصلی این آرا به دانش تاریخی آنان مربوط می‌شود، نه به اعتقاداتشان؛ زیرا اساس عقاید آنان بر این نکته استوار است که جنبش‌های صلیبی دور شدن از هنجار تاریخ مسیحیت و به نوعی یک انحراف محسوب می‌شود.

خواست قلبی برای تغییر گذشته اعتقادی فرد به شکل قابل قبول‌تر، جزء آرزوهای آرمانی است. تا سده‌های اخیر، قرن هفدهم و شاید هم خیلی بعد از آن، اغلب مسیحیان — کاتولیک‌ها، ارتدکس‌ها و پروتستان‌ها — به‌طور کلی با ایده جنگ مقدس مشکلی نداشتند. از قرن دوازدهم تا قرن هفدهم اساس آموزش اسقف‌های کاتولیک بر این مبنا استوار بود که وظیفه اخلاقی مردان شایسته، حمل صلیب است. این امر از سوی جمعی از مردان و زنانی تقویت می‌شد، که به‌طور کلی به عنوان قدیسان شناخته می‌شدند که: **برنارد کلرووایی، دومینیک، لویی مقدس از فرانسه، توماس آکوئیناس، بریجیت سوئدی، کاترین از سیه‌نا، جان کاپیس ترانوئی** و حتی شاید **فرانسیس آسیزی** شماری از آن قدیسان بودند.<sup>۱</sup> از زمان اوربان دوم در سال ۱۰۹۵م، تا اینوسان یازدهم، در سال ۱۶۸۴م، پاپ‌ها به ترتیب نامه‌هایی را نوشته یا دستور توزیع اعلامیه‌هایی را می‌دادند که در آن مؤمنان به جنگ صلیبی فراخوانده می‌شدند، در صورت پذیرش این فراخوانی از سوی مردم، امتیازاتی شامل حال آنان می‌شد و در صورت بی‌اعتنایی، مورد غضب الهی قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب دستگاه پاپی (کلیسا) یک نوع نهاد مذهبی جدید را برای تأیید و دادن امتیاز به فرقه‌های نظامی به رسمیت شناخت. دست‌کم شش شورا از شوراهای عمومی کلیسا برای جنگ‌های صلیبی قانونگذاری می‌کردند که دو شورای آن به نام‌های شورای چهارم لاتران<sup>۲</sup> (۱۲۱۵) و شورای دوم لیون<sup>۳</sup> (۱۲۷۴) اساسنامه آدلبرندان<sup>۴</sup> و پرو زلو فیدی<sup>۵</sup> را منتشر ساختند که این دو اساسنامه از جمله اسناد تعیین‌کننده جنبش بودند.<sup>۶</sup> مخالفت سریع پروتستان‌ها با

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد فرانسیس مقدس ر.ک: Maier, *Preaching the Crusades*, pp.9-17.

2. Lateran

3. Lyons

4. Ad Liberandum

5. Pro Zelo Fidei

۶. Lateran I: 10 (1123). گرچه وضعیت آن به عنوان یک شورای عمومی مورد تردید است:

Ateran IV: 3, 71 (1215); Lyons I: [2, 3] (1245); Lyons II: I (1274); Vienne: Bulla I (1311-12);

Lateran V: Session 9 (1514); *Conciliorum Oecumeniorum Decreta*, Giuseppe Alberigo et al. (ed.)

(Freiburg, 1962).

تحکم<sup>۱</sup> دستگاه پاپی روبه‌رو شد، ولی رستگاری از طریق اعمال، مانع موعظه‌گری کلیسایان راجع به حق مسیحیان برای مبارزه مسلحانه در برابر ترک‌ها نشد، و همین‌طور در این‌باره خاطرنشان شده است که رویکرد مارتین لوتر «هم از برخی جنبه‌های مهم مخصوصاً تأکید بر توبه و دعا، مشابه صلیبیان کاتولیک بود».<sup>۲</sup> یک پروتستان فرانسوی به نام کاپیتان فرانسیس، اهل لانو<sup>۳</sup> در اوایل دهه ۱۵۸۰م، برنامه‌ای برای بهبود اوضاع جنگ — بدون هیچ‌گونه چشم‌پوشی — برای بازپس‌گیری قسطنطنیه ارائه داد.<sup>۴</sup>

همچنین باید خاطرنشان کرد که هیچ سپاه صلیبی هرگز نمی‌توانست از اروپا خارج شود، تنها به این علت که این اجازه از اختیارات پاپ بود یا شورای عمومی در رابطه با این مهم، مجاز به صدور بیانیه بود. جنگجویان صلیبی به‌طور کلی همان داوطلبان بودند. این بدین معنا بود که عامه مردم — فقرا به اندازه ثروتمندان و نجیب‌زادگان اعم از زن و مرد — باید به درخواست رهبران کلیسا برای ایجاد سپاه تا رسیدن به حد نصاب پیشتاز می‌بودند. با وجود این، افرادی که در یک زمان معین صلیب به دست می‌گرفتند همیشه اقلیت کوچکی از اروپاییان شایسته این کار بودند، این گروه‌ها اغلب از حمایت عمومی و گاه پرحرارت باقی جمعیت برخوردار بودند. با این اوصاف باید گفت که مسیحیت غرب، در جنبشی مسئول و سهیم بود که برای هر ذره از وجودش به مشارکت مردان و زنان از همه طبقات جامعه وابسته بود.

از آنجا که صلیبی‌گری خیلی بیش از خواست کنونی تقریباً تک‌تک غریبان به باور آن، در تاریخ مسیحیت حک شده است، یکی از اهداف این کتاب در رابطه با این موضوع، جلب کردن توجه به شکاف موجود میان متخصصان از درک واقعیت تاریخی و اعتقادات مدرن است. من در این کتاب سعی دارم آن را توضیح دهم که از جنبه مذهبی، مؤمنان مسیحی چه نگرشی به جنگ‌های صلیبی داشتند، در عصر امپریالیسم، اروپاییان چه ادبیاتی را برای جنگ اختصاص دادند، و چگونه لفاظی‌های قرن نوزدهم که خود انحرافی از واقعیت بود، بار دیگر در غرب و اسلام قرن بیستم منحرف شد.

---

1. magisterium

2. Norman Housley, *Religious Warfare in Europe, 1400-1536* (Oxford, 2002), p.87.

3. Francis of La Noue

4. Paul Rousset, "Un Huguenot Propose une Croisade: Le Projext de Francois de La Noue (1580-1585)", *Zeitschrift für Schweizerische Kirchengeschichte (Revue d'Histoire Ecclesiastique Suisse)*, 72 (1978): 333-344.

نویسنده رساله‌ای با عنوان واقعیت جنگ جدید صلیبیان<sup>۱</sup> که به منظور توجیه فاجعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م نوشته، نام مستعار<sup>۲</sup> «صلاح‌الدین نابودکننده صلیبیان را برای خود برگزیده است»<sup>۳</sup>. وقایع چشمگیر سال‌های اخیر، چندین تاریخ‌نگار جنگ‌های صلیبی را الهام بخشید تا به توضیح درباره برداشت جهادهای سلفی از جنگ صلیبی و کاربرد واژه «جنگ صلیبی» در برنامه تبلیغاتی‌شان بپردازند. در مورد خود من این مسئله وقتی رخ داد که در سال ۲۰۰۲م از طرف دانشگاه قدیمی دومینیون<sup>۴</sup> در نورفلک ویرجینیا<sup>۵</sup> دعوت شدم تا در نخستین سالگرد کشتار تعداد بی‌شماری از شهروندان بی‌گناه نیویورکی سخنرانی کنم.<sup>۶</sup> در آن زمان، من از برخی استدلال‌های موجود این کتاب که مربوط به سده‌های نوزدهم و بیستم بود استفاده کردم و بعدها در جای دیگر آنها را شرح و بسط دادم، ولی اینجا آن استدلال‌ها با دیگر استدلال‌ها ترکیب شده و تلاشی فراگیر صورت گرفته تا جنگ‌های صلیبی را جزء تاریخ مسیحیت محسوب کنند و همچنین برای درک تأثیرات بلندمدت عقاید و تصورات ذهنی صلیبیان بر غربیان و استفاده‌های درست و نادرست از آن در میان مسلمانان. گفتنی است که من تا حد زیادی مدیون «الیزابت سیبری»<sup>۷</sup> هستم. او با کارهای پیشرو خود مشابه کارهای «کنت سیتون»<sup>۸</sup> در قرون شانزدهم و هفدهم،<sup>۹</sup> توجهات را بیشتر به مصالح قرن نوزدهم<sup>۱۰</sup> جلب کرد

1. *The Reality of New Crusaders War*

2. nom de plume

۳. نویسنده رمضی بن شبه بوده است. گزیده‌هایی از ترجمه در وب‌سایت The Sunday Times لندن در ۸ سپتامبر ۲۰۰۲م منتشر شده است.

4. the old Dominion

5. Norfolk, Virginia

۶. برای اطاعات بیشتر رک:

Jonathan Riley-Smith, *Islam and the Crusades in History and Imagination*, 8 November 1898-11 September 2001", *Crusades* 2 (2003): 151-167.

Edward Peters, *The Firani Are Coming-Again*, *Orbis* 48 (2004): 3-17; Christopher Tyerman, *Fighting for Christendom: Holy War and the Crusades* (Oxford, 2004), pp.201-210; Housley, *Contesting the Crusades*, pp.66-156; Riley-Smith, *The Crusades: A History*, pp.304-307.

7. Elizabeth Siberry

8. Kenneth Setton

9. Kenneth M. Setton, *The Papacy and the Levant (1204-1571)*, 4vols. (Philadelphia, 1976-1984); Kenneth M. Setton, *Venice, Austria, and the Turks in the Seventeenth Century* (Philadelphia, 1991).

10. Elizabeth Siberry, "Images of the Crusades in the Nineteenth and Twentieth Century", *The Oxford Illustrated History of the Crusades*, Jonathan Riley-Smith (ed.) (Oxford, 1995), pp.364-385; Elizabeth Siberry, *The New Crusaders: Images of Crusades in the Nineteenth and Early Twentieth Centuries* (Aldershot, 2000).



و همچنین مدیون «ورنر اند»،<sup>۱</sup> «کارول هیلن براند»،<sup>۲</sup> و «امانوئل سیوان»،<sup>۳</sup> افرادی که منابعی از تاریخ‌نگاری اعراب مدرن را در اختیار همگان قرار دادند، هستم.<sup>۴</sup> اما من خود پیامی دارم، پیام من این است که ما نباید امیدوارم باشیم که بتوانیم کسانی را که تا این حد از ما متنفرند، درک کنیم و با آنان مقابله کنیم، مگر آنکه با طرز تفکر آنها آشنا شویم، این کار مستلزم گشودن چشم به واقعیت‌های گذشته خودمان است، نه به واقعیت‌های تخیلی.

این کتاب با اندکی تغییرات و ساختاربندی دوباره، از سخنرانی‌های بامپتون در آمریکا است که افتخار ارائه آن را در دانشگاه کلمبیا به سال ۲۰۰۷م داشتم. همچنین نمی‌توانم بدون تشکر از پروفیسور «رابرت سومرویل»،<sup>۵</sup> گروه مذهبی او در کلمبیا و اعضای هیئت امنای سخنرانی‌های بامپتون در آمریکا که فرصت ارائه آنها را به من دادند، مطلب را به پایان برسانم.

---

1. Werner Ende

2. Carole Hillenbrand

3. Emanuel Sivan

4. Werner Ende, "Wer ist ein Glaubensheld, Wer ist ein Ketzer", *Die Welt des Islams* NS 23 (1984); Carole Hillenbrand, *The Crusades; Islamic Perspectives* (Edinburgh, 1999), pp.589-616; Emanuel Sivan, "Modern Arab Historiography of the Crusades", *Asian and African Studies* 8 (1972).

5. Robert Somerville



## فصل اول

### جنگ‌های صلیبی به مثابه جنگ‌های مقدس مسیحی

شرکت در جنگ‌های صلیبی برای مردم، به مثابه جنگ زوآر به قصد توبه بود که نه تنها در سرزمین‌های شرق مدیترانه و کل نواحی مدیترانه شرقی، بلکه در طول خط ساحلی بالتیک، در شمال آفریقا، شبه جزیره ایبری، لهستان، مجارستان، کشورهای حوزه بالکان و حتی تا اروپای غربی کشیده شده بود. از جنگجویان می‌خواستند نه تنها علیه مسلمانان بلکه علیه کافرانی چون ونداها،<sup>۱</sup> بالت‌ها،<sup>۲</sup> لیتوانی‌ها، مغول‌های شمنی، ارتدکس‌های روسی و یونانی، ملحدان کاتار<sup>۳</sup> و هوسی‌ها،<sup>۴</sup> و همچنین کاتولیک‌هایی که کلیسا آنها را دشمن خود می‌پنداشت، بجنگند. نهضت

- 
۱. Wends: گفته می‌شود که در قرن سیزدهم قبایلی به نام ونداها در شرق آلمان سکونت داشتند. اما تاکنون این باور وجود داشته که در قرن هشتم، آلمانی‌ها این نام را برای اسلاوها که به شرق آلمان مهاجرت کرده بودند، به کار برده‌اند. برای اسکاندیناوی‌ها این نام به معنای اسلاوی که از دریای بالتیک آمده بوده است. این عده جزء آخرین قبایلی بودند که به مسیحیت گرویدند. شاهان فرانک، در طی یک سلسله جنگ‌های صلیبی که به قتل عام آنان ختم شد، این کار را انجام دادند. بازماندگان ونداها امروزه در شرق آلمان و شمال لهستان ساکن‌اند.
  ۲. Balts: به مردمان ساحل شرقی دریای بالتیک، بالت گفته می‌شود که شامل لتونی‌ها، لیتوانیایی‌ها و پروس‌ها که امروزه از میان رفته‌اند، می‌شد. در قرن سیزدهم، شوالیه‌های تیوتون، منطقه را تصرف کرده و آنها را مسیحی نمودند.
  ۳. Cathar: کاتارها فرقه‌ای مسیحی دارای عناصر ثنویت‌گرایی و گنوستیک (عرفانی) بود که در قرن یازدهم در منطقه لنکودوک فرانسه و دیگر مناطق اروپا ظاهر شدند و در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم به اوج شکوفایی خود رسیدند. کاتاریسم ریشه در نهضت پلی (Paulicia) در ارمنستان داشت. کلیسای کاتولیک این فرقه را بدعتگذار می‌دانست. به همین دلیل طی سال‌های ۱۲۰۹-۱۲۲۹م در جنگ صلیبی آلبی‌ژن‌ها این فرقه را از میان برداشت.
  ۴. Hussite: هوسی‌ها، نهضتی مسیحی بود که بر مبنای تعلیمات مصلح اهل چک، یان هوس (Jan Hus) (۱۳۶۹-۱۴۱۵م) بنا گذاشته شده بود. این نهضت موجب تقویت روحیه ملی‌گرایی در چک گردید. در شورای کنستانس (۱۴۱۴-۱۴۱۸م) کلیسای کاتولیک یان هوس را به مرگ محکوم نمود. پس از آن هوسی‌ها میان سال‌های ۱۴۱۹ تا ۱۴۳۴م، در جنگی علیه امپراتوری مقدس روم شرکت نمودند که شکست خوردند.

صلیبی باعث ایجاد جوامع مقدسی شد که شامل متحدان قدرت‌های طراز اول بود که از موهبت‌های صلیبی برخوردار بودند و فرقه‌های نظامی که اعضای آن گاهی خارج از دستورهای حکومتی عمل می‌کردند.

دوام طولانی مدت جنگ‌های صلیبی و نمای گوناگون آن در عرصه‌های کاملاً متفاوت، چگونگی توصیف آن را دشوار می‌کند.<sup>۱</sup> در تعریف جنگ باید گفت که در هر منطقه چهره‌ای متفاوت از خود نمایان می‌کرد و نسبت به اوضاع و احوال و حتی عادات مردم تغییر می‌نمود، ولی باید خاطر نشان کرد که اصول اساسی جنگ ثابت بود. برای صلیبیان، جنگاوری به معنای شرکت در جنگی بود که هم مقدس به شمار می‌آمد — چون اعتقاد بر این بود که مبارزه‌ای برای خداست — و هم توبه‌آمیز؛ زیرا شرکت‌کنندگان، آن را جزای عقوبت اعمال خود می‌پنداشتند. پاپ به عنوان قائم‌مقام مسیح اجازه جنگ را صادر می‌کرد. بیشتر جنگجویان، مردان و زنان عامی بودند که نذر می‌کردند تا به این سفرهای زیارتی بروند. این گروه هر زمان که نذر خود را ادا می‌کردند، یا جنگی را پایان یافته تلقی می‌کردند خواستار برگشت به زندگی عادی خود می‌شدند. در کنار این جنگجویان نوع دیگری از مبارزان هم دیده می‌شدند، از جمله آنها شوالیه‌های معبد،<sup>۲</sup> شوالیه‌های مهمان‌نواز<sup>۳</sup> و شوالیه‌های تیوتون<sup>۴</sup> که از برادران دینی

1. Norman Housley, *Contesting the Crusades* (Oxford, 2006), pp.1-23.

۲. knights templar: شوالیه‌های معبد، فرقه‌ای نظامی مسیحی بودند که در سال ۱۱۲۹م، کلیسای کاتولیک رُم آنها را به رسمیت شناخت. در طول دو قرن بعد شوالیه‌های معبد قدرت و ثروت فراوانی کسب کردند و بسیاری به آنها ملحق شدند. آنها در بسیاری از جنگ‌های صلیبی شرکت جستند. ولی در سال ۱۳۰۷م، با مظنون شدن فیلیپ چهارم، شاه فرانسه به آنها، بسیاری از اعضایشان در فرانسه دستگیر شده، متهم به تصرف‌های نادرست گشته و زنده سوزانده شدند. پاپ کلمان چهارم تحت فشار فیلیپ مجبور شد در سال ۱۳۱۲م، فرقه را منحل نماید.

۳. knights hospitaller: شوالیه‌های مهمان‌نواز کارشان را در مهمان‌سرای آمالفی (Amalfitan) در بیت‌المقدس به سال ۱۰۲۳م، برای مراقبت از زائران فقیر یا بیمار آغاز نمودند. پس از فتح بیت‌المقدس در سال ۱۰۹۹م، به دست مسیحیان (در جنگ صلیبی اول)، این فرقه تبدیل به فرقه‌ای نظامی شد و مسئولیت دفاع از سرزمین مقدس را بر عهده گرفت. پس از فتح بیت‌المقدس به دست مسلمانان در سال ۱۲۹۱م، شوالیه‌ها حکومت مستقل خود را در جزیره رودس و سپس مالت بنیان نهادند. پس از فتح مالت در سال ۱۷۹۸م، به دست ناپلئون، فرقه رو به زوال نهاد، ولی در اواخر قرن نوزدهم با روی آوردن به کارهای عام‌المنفعه دوباره قوت گرفت.

۴. Teutonic knights: فرقه نظامی — مذهبی شوالیه‌های تیوتون در قرن دوازدهم در عکا شکل گرفت. پس از شکست صلیبیان در مدیترانه شرقی، فرقه به ترانسیلوانیا در اروپا نقل مکان نمود تا از مجارستان دفاع کند. در سال ۱۲۳۰م، شوالیه‌ها در جنگی علیه پروس‌های شرق اروپا به منظور مسیحی کردن آنها شرکت کردند و دولت شوالیه‌های تیوتون را در ساحل شرقی دریای بالتیک بنیان نهادند. فرقه تا سال ۱۸۰۹م، املاک وسیعی

(و همین‌طور خواهران دینی) فرقه‌های نظامی به شمار می‌آمدند. این گروه در این راه سوگند یاد کرده بودند و در نتیجه همواره برای دفاع از مسیحیان و مسیحیت حضور به هم می‌رساندند. در طول جنگ، متعهدان — چه خاص و چه موقت — با وجود تفاوت‌های ناچیز از نظر زمانی و مکانی، و چه متعهدان دائمی در درون یک فرقه نظامی، با نصب صلیب روی لباس‌های عادی یا جامه‌های مذهبی نمایان می‌گشتند. مردان و زنان عامی که این چنین قسم یاد می‌کردند با آموزش گناهان پاداش می‌گرفتند و تضمین می‌شدند که اعمال توبه‌آمیز آنها در نظر خدا دارای شأن و منزلتی خواهد بود که قلم عفو بر گناهانی که تا آن روز مرتکب شده بودند، می‌کشید.<sup>۱</sup> در برابر این اصول اساسی بود که هر گونه عمل خالص از عمل ریاکارانه در جنبش باید بازشناسی و ارزیابی می‌شد.

محتوای الهام‌بخش نوشته‌ها که مسیحیان آن را مکاشفه الهی محسوب می‌کردند، زمانی که از اعمال خشونت سخن به میان می‌آمد، ایجاد شبهه می‌کرد. منظور من از خشونت ضرب و جرح‌های فیزیکی است، چه تعمدی و چه در اثر عوارض جانبی، که زندگی فردی را به خطر اندازد، یا صدمه جسمی به او وارد کند. در این نوشته‌ها این‌طور آمده است که بر فراز کوه سینا، موسی حکم الهی از سوی پروردگار دریافت کرد «تواز بین نخواهی برد»، ولی مسئله‌ای که به ذهن عالمان مسیحی قرن چهارمی‌خطور می‌کند این است که چگونه آن حکم الهی در رابطه با حوادث مختلف دور و بر کوه سینا به این سرعت تعدیل شد. برای مثال، در کتاب وعده الهی<sup>۲</sup> که بعد از آن آمده و شرحی بر ده فرمان است، و در آن اقتضای مجازات مرگ برای مجموعه‌ای از جرایم از سوی خداوند نقل شده است و وعده نابودی افرادی داده شده است که مانع ورود اسرائیلیان به سرزمین موعود شدند. و همچنین از موسی چنین نقل شده است که وقتی موسی با کتاب تورات از کوه پایین آمد و پیروان خود را مشغول پرستش گوساله زرین یافت، جواز قتل آنان را صادر کرد.<sup>۳</sup>

اشتباه است اگر فرض کنیم که عهد جدید (انجیل) صراحتاً استفاده از زور را محکوم کرده است؛ زیرا با اینکه مسیح از پیروان خود ابراز محبت، ملایمت، ملاحظت و انعطاف‌پذیری را

در مناطق کاتولیک آلمان در دست داشت تا اینکه ناپلئون بناپارت حکم به گرفتن آنها از فرقه داد. امروزه فرقه به شکل یک سازمان خیریه به کار خود ادامه می‌دهد.

1. Jonathan Riley-Smith, *What Were the Crusades?*, 3<sup>rd</sup> ed. (Basingstoke, 2002).

2. *Covenant*

3. Exodus 20-23, 23: 15-29.

برای دشمنان، هم‌سنگ با دوستان درخواست می‌کرد، ولی از سوی دیگر این‌طور به نظر می‌رسد که مانند یحیای تعمیددهنده، استفاده از آن را برای سربازان لازم می‌دانست؛ مثل زمانی که تشریف به دین سرکرده ارتش روم را پذیرفت، ولی عملکرد او را در ارتش زیر سؤال نبرد.<sup>۱</sup> و طبق گفته‌های لوک مقدس، در پایان مراسم عشای ربانی عیسی به حواریون گفت: «بگو کسی که شمشیر ندارد با فروش بالاپوش خود، شمشیری برای خود تهیه کند. این را می‌گویم؛ زیرا من باید نوشته‌های کتاب مقدس را تحقق بخشم "و منظور او از این سخن مقابله با خاطیان بود...، حواریون در جواب گفتند: "یا مولا، بنگر، اینجا دو شمشیر هست". و مولا به آنان گفت: "این دو کافی هستند".<sup>۲</sup> لوک مقدس خاطرنشان کرده است که بعد، عصرهنگام، پیروان با خود شمشیر داشتند، احتمالاً همان دو شمشیری که از قبل در اتاق بود، برداشته بودند. پیترو مقدس هم باید با یکی از این دو شمشیر گوش خدمتکار کاهن اعظم را بریده باشد.<sup>۳</sup> گفته می‌شود که مسیح، پیترو را سرزنش کرد، ولی نظریه‌پردازان جنگ می‌پرسند، در صورتی که مسیح اصولاً مخالف استفاده از زور بود، با همراهی حواریون شمشیر به دست، چه سیاست رهنمودی را در نظر داشته است؟<sup>۴</sup> حتی اگر برای تبعیت از کتاب خدا بود. در متون دیگری از عهد جدید به‌ویژه موارد مربوط به زندگی پل مقدس،<sup>۵</sup> استفاده از زور از طرف دولت به رسمیت شناخته شده است. پل اظهار کرده که «فرمانروای مقتدر بیهوده شمشیر حمل نمی‌کند و کسی که شمشیر دارد، خدمتگزار خدا در امر تحقق غضب او بر خطاکاران می‌باشد».<sup>۶</sup>

۱. در مورد یحیی تعمیددهنده رک: Matthew 8: 5-13; Luke 7: 1-10; Luke 3: 14.

2. Luke 22: 36-38.

3. Luke 22: 50-51.

رک: Matthew 26: 51-54; Mark 14: 47; John 18: 10-11.

۴. اندکی پس از نخستین جنگ صلیبی این کار به عنوان توجیه‌کننده جواز پاپ برای استفاده از زور تفسیر شد.  
John of Mantua, "Tractatus in Cantica Cantorum", *Ioannis Mantuani in Cantica Cantorum et De Sancta Maria Tractatus ad Comitissam Matildam*, Bernard Bischoff and Burkhard Taeger (ed.) (Freiburg, 1973), p.52.

۵. St. Paul: پل قدیس (۶۷ق.م - ۵۵ق.م) یهودی‌ای سرسخت بود که به آزار و اذیت مسیحیان می‌پرداخت تا اینکه پس از مرگ مسیح در راهش به دمشق با شهودی از مسیح، به مسیحیت گروید. وی یکی از سه رهبر اولیه اصلی مسیحیت (همراه با پیترو و جیمز قدیس) شناخته می‌شود. هیچ‌کس به اندازه وی در مسیحیت تأثیرگذار نبوده است.

6. Romans 13: 4.

تلاش برای حل تناقضات در کتاب مقدس موجب شکل‌گیری تعالیم اخلاقی در رابطه با خشونت شد. پس نتیجه می‌گیریم صلح‌گرایی تا حدی، شاید هم به‌طور اساسی در کلیسای کهن نقش داشته است، گرچه امروزه از میزان آن سؤال می‌شود.<sup>۱</sup> با وجود این، صلح‌گرایی به عنوان یک تفکر کم‌ارزش در طول سده‌های بعدی باقی ماند، چنانچه خواهیم دید واعظان جنگ‌های صلیبی برای پاسخ به ایرادهای اساسی در این باره فقط احساس نیاز می‌کردند، ولی به محض اینکه تعداد هم‌دینانشان افزایش یافت و جایگاه‌هایی را در ارتش اشغال کردند، یا سمت‌هایی در سیستم قضایی در رابطه با تصویب مالیات‌های کمرشکن کسب کردند، یا بالاتر از آن بر مسند پادشاهی نشستند، باعث شدند متفکران مسیحی به اجبار با مشکلات مرتبط مواجه شوند. آنان هیچ‌گاه از جداسازی شریعت قدیم از جدید خلاصی نیافتند، نه تنها به این دلیل که شریعت جدید از درون همخوانی نداشت، بلکه به این دلیل که اگر ذات انسان و نوع درک او نسبت به خدا موجب ابراز خشونت انسان در دوره‌ای شده است، با اینکه شریعت آن را در بیشتر مواقع رد می‌کند، اما به هر صورت وقتی اوضاع در این دنیای خاکی درخور چنین رفتاری است نمی‌تواند مانع تغییر سیاست انسان شود.

بیش از ۲ هزار سال از تاریخ غرب، ابراز خشونت، خواه در میدان جنگ، شورش مسلحانه، یا استفاده از زور به عنوان قوانین حکومتی و خواه مقدس، یا صرفاً مشروع، به سه معیار نیاز داشت تا منطقی جلوه کند: معیار نخست اینکه خشونت نباید همراه با بی‌قیدی، یا برای افزایش قدرت باشد، بلکه فقط باید برای یک دلیل معقول قانونی قابل دفاع باشد. معیار دوم، باید از سوی یک مرجع مورد تأیید اعلام شود که دارای صلاحیت رسمی است. معیار سوم، خشونت باید عادلانه برگزار شود. آگوستین<sup>۲</sup> مقدس بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز باستانی در قرن‌های چهارم و پنجم، این معیارها را که ریشه در قانون جمهوری کاتولیک رُم داشت در متنی مربوط به مسیحیان وارد کرد.<sup>۳</sup> آگوستین جرایمی را که فقط با یک انگیزه موجب پایمال شدن حقوق دیگران می‌شد و

1. John Helgeland, "The Early Church and War: The Sociology of Idolatry", *Peace in a Nuclear Age*, Charles J. Reid (ed.) (Washington, DC, 1986), pp.34-47.

۲. St. Augustine: سن آگوستین (۳۵۴-۴۳۰)، یکی از مهم‌ترین چهره‌های مسیحیت غربی است. وی پس از گرویدن به مسیحیت در ۳۸۷م، رویکرد خود را به فلسفه و الهیات طرح نمود. آگوستین مبدع ایده گناه اصلی (original sin) و جنگ عادلانه (just war) است. وی همچنین کتابی به نام شهر خدا تألیف نموده که در آن کلیسا به عنوان شهر خدا مطرح شده است.

۳. برای کسب اطلاعات درباره تفکر آگوستین راجع به خشونت، ر.ک:

معمولاً با شکلی از تعدی و تعرض همراه بود، به عنوان خسارت تحمل ناپذیر تبیین کرد. چون ایجاد لطمه، قوانین دنیوی را که در قوانین الهی منعکس می‌شد، مختل می‌کرد، مخالفت کردن با آنها ضرورتی جدی برای مردان خوب به شمار می‌رفت. آگوستین همچنین اظهار کرده «که بی‌عدالتی طرف مقابل، وظیفه‌ای بر دوش مرد دانا می‌نهد تا برای مبارزه به پا خیزد».<sup>۱</sup>

او دو مفهوم را برای مشروعیت حکومت<sup>۲</sup> به رسمیت شناخت. آگوستین در برخورد با همه حکمرانان به عنوان نمایندگان الهی، حتی حاکمان بی‌دین، پیرو پل مقدس بود، با اینکه همه حاکمان، به‌ویژه امپراتوران مسیحی، رُم را به عنوان نمایندگان خدا می‌دانستند که خدا، آنها و نیروی موقتی امپراتوری را در خدمت کلیسا برای حمایت از آنان قرار داده است. اما باور هم داشتند که خداوند شخصاً می‌تواند دستور به خشونت «که بدون شک عادلانه خواهد بود» دهد.<sup>۳</sup> چنان که به فرمان الهی، ابراهیم برای قربانی کردن اسماعیل آماده شده بود و موسی برای جنگ به پا خاسته بود. حکم خداوند در استفاده از زور، اقدامی در جهت ظلم نبوده، بلکه برای مجازات عادلانه بوده است.<sup>۴</sup> رساله کامل آگوستین در رابطه با موضوع خشونت مقدر الهی را باید در کتاب وی<sup>۵</sup> در دفاع از عهد عتیق در پاسخ به مانوی‌ها<sup>۶</sup> یافت. ولی او از پیش آماده شده بود تا فرمان‌های مطلق خداوند تحت لوای شریعت جدید را به انسان‌ها انتقال دهد، همین‌طور در دو اثر بعدی‌اش، به احتمال وقوع امر الهی برای جزا در همان دوران اشاره دارد.<sup>۷</sup>

---

Frederick H. Russell, *The Just War in the Middle Ages* (Cambridge, 1975), pp.16-26; Jonathan Riley-Smith, *Crusading as an Act of Love*, History 65 (1980): 185-187.

1. Augustine of Hippo, *De Civitate Dei*, xix, 7, Bernard Dombart and Alphonse Kalb (ed.) (CCSL 47-48, Turnhout, 1958), p.319.

2. legitimate authority

3. Augustine of Hippo, *Quaestionum in Heptateuchum Libri VII*, vi, IO, Benedikt Schwank (ed.) (CCSL 33, Turnhout, 195) 48: 672.

4. Augustine of Hippo, *Contra Faustum Manichaeum*, xxii, pp.75-79, PL 42: 448-451.

5. *Contra Faustum Manichaeum*

۶. Manichees: مانوی‌ها پیروان پیامبر ایران باستان، «مانی» هستند. مانی در زمان ساسانیان ظهور نمود. این دین عرفانی بر پایه ثنویت میان جهان مادی تاریکی و جهان معنوی روشنایی بنا نهاده شده است. در قرن‌های سوم تا هفتم، مانویت به اوج رواجش رسید و از چین تا رُم گسترش یافت. مسیحیان، مسلمانان، زردشتیان و بودایی‌ها، با مانویت مخالفت نموده‌اند.

7. Augustine of Hippo, *De Civitate Dei I*, 27, CCSL 47: 26-27; Augustine of Hippo, *Quaestionum in Heptateuchum vi*, IO, CCSL 33: 319.



احتمالاً وقتی وی درباره مفهوم عدالت می‌نوشت بیشترین مثبت‌اندیشی را به نفع کسانی که در مسند قدرت بودند و در امور جزا شرکت داشتند، به کار می‌برد. او نوشته است «حاکمان باید مردم را به دوستی و محبت فراخوانند و فقط به حد لازم از خشونت استفاده کنند». در ادامه آمده است که «مدیران مسئول در امور جزا باید آن را به نحوی محدود کنند که کمترین آسیب به بی‌گناه وارد شود».<sup>۱</sup> شریعت آگوستین در مفهوم عدالت، بعدها اساس مکتب نسبتاً تازه‌تری را فراهم کرد.

با اینکه عقاید آگوستین در طول چندین دهه نوشته و در سطح گسترده‌ای پراکنده شده بود، و بعضاً با تناقضاتی همراه بوده است، ولی من عقاید او را روشن‌تر از آنچه برای معاصرانش، یا حتی برای خودش بود ارائه دادم. از قرن نوزدهم پاپ‌ها برای توجیه استفاده از زور به نفع کلیسا به حامیان متبحر متوسل شدند که این اعمال از طریق استناد به آثار آگوستین انجام شد. بدین ترتیب که آثار او به شکلی مناسب‌گزینش و تناقضات پدید آمده ترمیم شد.<sup>۲</sup> به‌کارگیری این شیوه، دو قضیه که زیربنای برداشت آگوستین از خشونت را شکل داده بود، مشخص کرد. نخست، اصرار بر قدرت والای خداوند یا مسیح که به‌طور کامل در این جنبه از امور ضامن بودند؛ چرا که این اعمال به نام خدا و طبق اراده او بود و نمایندگان برای خشنودی او مجاز به اعمال خشونت بودند. دوم، اعتقاد به اینکه جزا از لحاظ موازین اخلاقی امری عادی بود. آگوستین پرسید: زشتی جنگ در ذات خود چیست؟ زشتی‌های واقعی در مرگ افرادی نبود که به هر ترتیب زمانی خواهند مرد، بلکه در عشق به خشونت، بی‌رحمی و دشمنی بود. به‌طور کلی زشتی جنگ، ملامت مردان نیکی بود که در راه اطاعت از خدا و احکام شرعی می‌جنگیدند.<sup>۳</sup> بنابراین، در مواجهه با اعمال عمدی مجرمان بود که این بُعد اخلاقی برای اعمال خشونت به دست آمد که «خشونت که از بسیاری جهات بد است، ولی بعضی اوقات هم خوب است»، و این موضوع موجب شد که آگوستین نظریه مجازات عادلانه را بسط دهد. نظریه‌ای که تاریخ مسیحیت را تا قرن نوزدهم تسخیر خود کرده بود.<sup>۴</sup>

1. Riley-Smith, *Crusading as an Act of Love*, pp.186-187.

۲. ر.ک:

Jean Flori, *l'Essor de Chevalerie XIe-XIIe Siecles* (Geneva, 1986), pp.182-184; Riley-Smith, *The First Crusaders*, pp.47-48.

3. Augustine of Hippo, *Contra Faustum Manichaeum*, xxii, 74, PL 42: 447.

4. Riley-Smith, *Crusading as an Act of Love*, pp.186-187.

به نظر بسیاری از افراد امروزه سنت تاریخی آگوستین بیگانه است، زیرا با مجموعه‌ای از دیگر عقاید جایگزین شده و به تازگی بیش از آنچه ما فکر می‌کنیم، به پختگی رسیده است. نظریه نوین «جنگ عادلانه» برخلاف نظریه آگوستین، نه تنها بر این عقیده است که فی‌الواقع خشونت گناه است، بلکه هرج و مرج را گناه بزرگ‌تری محسوب می‌کند. بنابراین، احتمالاً استفاده از زور به عنوان گناه کوچک‌تر، زمانی که دولت یا اجتماعی در موقعیتی قرار گیرد که فقط بدین وسیله بتوان دوباره نظم را برقرار کرد، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این شرایط خاص، مشارکت در گناه، گناه محسوب نمی‌شود و خداوند از آن چشم‌پوشی خواهد کرد. ریشه‌های این مجموعه از تفکرات در قرون وسطا یافت می‌شود، زمانی که عالمان مذهبی و مشاوران دینی درصدد بودند تا با استفاده از این تئوری‌ها افرادی را که در مبارزاتی که با هیچ سنتی قابل دفاع نبود، شرکت داشتند، توجیه کنند،<sup>۱</sup> ولی آن نظریه تا زمان برکناری فرضیات آگوستین به اتفاق آرا پیشرفتی نکرد. عوامل تسریع‌کننده برای کنار گذاشتن این باور که خشونت می‌تواند در خدمت منافع کلیسا باشد در گزارش‌هایی مربوط به دهه ۱۵۳۰م، که درباره ستمگری‌های اسپانیایی‌ها علیه مردم بومی قاره آمریکا بود و با واکنش انتقادآمیز فرانسیسکو از ویتوریا<sup>۲</sup> همراه شد، آمده است، کسی که تئوری «خشونت می‌تواند بخشی از هر قانون الهی باشد» را رد کرد. او و پیروانش این عمل را فقط با رجوع به افکار ارسطو و طرفداران توماس آکوئیناس درباره «منافع مشترک» توجیه می‌کردند، دفاعی که حق قانونی هر جامعه‌ای محسوب می‌شد. همان‌گونه که مباحث جنگ عادلانه از حوزه اخلاق مذهبی به قانون بین‌المللی انتقال می‌یافت، مسیحیت هم شروع به کنار کشیدن از این مباحث کرد.<sup>۳</sup>

1. Russell, *The Just War*, pp.300-304.

ر.ک:

H. E. John Cowdrey, "Christianity and the Morality of Warfare During the First Century of Crusading", *The Experience of Crusading, Volume One: Western Approches*, Marcus Bull and Norman Housley (ed.) (Cambridge, 2003), pp.186-191.

۲. Francisco de Vitoria: فرانسیسکو (۱۴۹۲-۱۵۴۶)، فیلسوف و عالم الهیات کاتولیک اسپانیایی، که در دوره رنسانس می‌زیست. وی به‌ویژه به دلیل نظریاتش راجع به جنگ عادلانه و حقوق بین‌الملل معروف است و به عنوان «پدر حقوق بین‌الملل» شناخته می‌شود. وی مبدع مفهوم «جمهوری جهانی» هم هست و به همین دلیل به تازگی نام «بنیانگذار فلسفه سیاسی جهانی» به وی داده شده است.

۳. Hugo Grotius و Alberico Gentili در این فرایند نقش‌های عمده‌ای داشتند.

در صورتی که از اغلب اندیشمندان روشنفکر درباره جنگ‌های صلیبی که برای بیشتر آنها به مثابه جنگ‌های دهشتناک<sup>۱</sup> بود، سؤال می‌کردید، آنها چگونه می‌توانستند دلیل موجهی برای جنگ ارائه دهند. شاید این‌طور پاسخ می‌دادند که جنگ در بعضی شرایط نیاز به آینده‌نگری و حفظ منافع مشترک داشت که موجب غلبه بر نتایج شوم قابل پیش‌بینی می‌شد. گرچه در مواقعی هم که از زشتی جنگ یاد می‌کردند، نه به خود خشونت، بلکه به درد و رنجی که همراه آن بود اشاره می‌کردند. با اینکه توافق جمعی بر این نظر استوار بود که استفاده از خشونت تقریباً همواره عواقب ناخوشایندی به بار آورده است و در این باره توجه زیاد به معیارهایی بود که احتمالاً با انجام آن اوضاع بهتر می‌شد، در اینجا به نظر می‌رسد چالش عقلانی جدی برای اجماع این نظر که خشونت طبق موازین شرعی امری عادی است، وجود نداشت.<sup>۲</sup> به نظر می‌آید کسی قدم دوم را برای شکل‌گیری کامل نظریه مدرن جنگ عادلانه که ضروری بود، برنداشت؛ نظریه‌ای که خشونت را ذاتاً پلید شمرده و از مکتب صلح‌گرایی وام گرفته شده است. این موضوع هنوز به تحقیق بیشتری نیاز دارد، ولی من گمان می‌کنم این دگرگونی فکری با ارزش، دستاوردی از یک جنبش صلح‌گرای مردمی و فراگیر بود که بعد از جنگ‌های ناپلئون، آمریکا و اروپا را فراگرفت.

جنگ‌های مقدس که نمونه‌های بسیاری از آن در تاریخ مسیحیت موجود است، احتمالاً به عنوان جنگ‌هایی به شمار می‌آیند که فرمان آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی خدا یا مسیح بوده، یا به عنوان جنگ برای پیشبرد اهداف خداوند تبیین شده بود.<sup>۳</sup> جنگ‌های صلیبی اختصاصاً تجلی شکوهمند نیات خداوند بود، ولی با وجود این در نظر معاصران، علل بروز جنگ نمی‌توانست با ارزش‌تر از آن باشد که جنگجویان برای برداشتن موانع از سر راه مشیت

Heinz Duchhardt, "La Guerre et le droit des gens dans l'Europe du XVIe au XVIIIe Siècle", *Guerre et Concurrence entre les Etats Europeens du XIVe au XVIIIe siècle*, ed. Philippe Contamine (Paris, 1998), pp.344-356.

1. "Ces Guerres Horrible Denis Diderot and Jean Le Rond d'Alembert", *Encyclopedie* (Paris, 1751-1765), 4: 505.

2. Duchhardt, *La Guerre*, pp.356-364.

۳. Cowdrey, *Christianity*, p.175. را ببینید. خلاصه‌ای از عقاید امروزی راجع به تاریخ جنگ مقدس مسیحی در منبع زیر یافت می‌شود:

Alexander P. Bronisch, "Reconquesta und Heiliger Krieg: Die Deutung des Krieges im Christlichen Spanien von den Westgoten bis ins Fruehe 12", *Jahrhundert* (Munster, 1998), pp.201-229.

الهی، به صلاح بشریت، در جنگ شرکت می‌کردند و هنوز از آنها انتظار آن است که در جایگاهی با همان معیار در جهت عدالت، حکومت مشروع و هدفی بر حق همانند تمام مفاهیم مسیحیت از خشونت باشند. «یعقوب ویتری»<sup>۱</sup> در موعظه‌ای برای برادران یک فرقه نظامی در اوایل قرن سیزدهم، چکیده‌ای از اولویت‌های این معیارها را به عنوان دفع خشونت یا آسیب و برقراری عدالت در مورد خلافکاران بیان کرد.<sup>۲</sup> به سخن دیگر جنگ‌های صلیبی مشابه همه جنگ‌های مسیحی، باید برای دفاع باشد. برای مثال، هیچ‌وقت نمی‌توانست جنگی برای تغییر دین صورت گیرد، اگرچه گاه اوقات پاپ‌ها و واعظان به شوق سربازگیری، جنگ‌هایی برای تغییر دین به راه می‌انداختند تا در نبردهایی که برای حمایت از مبلغان اعزامی به حوزه بالتیک — که سنت‌های پایداری داشتند — رخ می‌داد، از آنان استفاده کنند، چرا که جنگجویان جای دیگر می‌توانستند مقررات سنتی را نادیده بگیرند.<sup>۳</sup> حتی جنگ‌های صلیبی بر ضد ملحدان به عنوان مبارزات دفاعی توجیه می‌شد؛ زیرا ملحدان قصد داشتند علیه بنیانگذاری کلیسای مسیح به عنوان حافظ حقایقی که قبلاً به رسمیت شناخته شده بود، طغیان کنند.<sup>۴</sup>

علت جنگ‌های صلیبی موضوع بسیار مهمی به شمار می‌رفت؛ زیرا در این نوع جنگ‌ها، مبارزان درجه اول، نه بخش اجرایی فنودالیسم، یا سربازان وظیفه (اگرچه اغلب سربازان وظیفه در ارتش بودند)، بلکه داوطلبان بودند. جنگجویان چنان که شاهد بودیم به دلیل عهدهایی که بسته بودند می‌جنگیدند و در قانون شرع هر عهد و پیمانی در گرو یک عمل داوطلبانه بود.<sup>۵</sup> از این رو وقتی یک پاپ اعلان جنگ می‌داد، این اعلان نمی‌توانست بیش از یک درخواست از

۱. James of Vitry: یعقوب ویتری (۱۱۶۰/۷۰-۱۲۴۰). در فرانسه زاده شد. از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۱۲ م، همراه ویلیام، شاس بزرگ پاریس، به موعظه برای جنگ صلیبی آلبی‌ژن‌ها پرداخت. در سال ۱۲۱۴ م، به عنوان اسقف عکا انتخاب شد و تا ۱۲۲۵ م، آنجا ماند. از وی کتابی به نام تاریخ سرزمین مقدس *Historia Hierosolymitana* و موعظه‌ها و نامه‌هایی به یادگار مانده است.

2. James of Vitry, "Sermo ad fratres ordinis militaris", *Analecta novissima*, Jean Baptiste Pitra (ed.) (Paris, 1888), 2: 419.

3. Iben Fonnesberg-Schmidt, *The Popes and the Baltic Crusades, 1147-1254* (Leiden, 2007), pp.32-33, 91-94; Benjamin Z. Kedar, *Crusade and Mission: European Approaches Toward the Muslims* (Princeton, 1984).

4. Riley-Smith, *What Were the Crusades?*, pp.18-20.

5. James Brundage, *Medieval Canon Law and the Crusader* (Madison, 1969), pp.30-115.

مردان و زنان برای پیوستن به گروه اعزامی به صورت داوطلبانه باشد. این احتمال وجود داشت که او مردم را از آتش جهنم بترساند، ولی نمی‌توانست آنها را مجبور به بستن عهد و پیمان کند و در صورتی که مردم از این کار سرپیچی می‌کردند نمی‌توانست آنان را تنبیه کند، بدین ترتیب مواقعی پیش می‌آمد که کوشش‌ها برای سربازگیری با شکست مواجه می‌شد. به همین دلیل، برای جلوگیری از شکست، قانع کردن از موارد ضروری به شمار می‌آمد. در اوایل دهه ۱۲۷۰م، زمانی واعظی از دومینیکن،<sup>۱</sup> به نام هومبرت رومی<sup>۲</sup> به آنچه در نظر او هفت نوع اعتراض می‌نمود و از سوی منتقدان جنگ‌های صلیبی در شرق مطرح شده بود، پاسخ داد. چهارتای آنها به انگیزه جنگ مربوط بود، و نشان می‌داد که نگرانی‌های مخاطبان او با نگرانی‌هایی که امروزه ما با آنان مواجه می‌شویم، فرق چندانی ندارد. برخی از آنان بحث می‌کردند که «ریختن خون بدین گونه، حتی اگر خون کافران ظالم باشد، با دین مسیحیت همخوانی ندارد». افراد دیگری در رابطه با پیش‌دستی در جنگ نگران بودند. خوب، «هرچند که ما موظف به دفاع از خود در مقابل حمله مسلمانان هستیم، این بدان منظور نیست وقتی آنها ما را به جنگ نمی‌خوانند باز هم باید به افراد و سرزمین آنها یورش ببریم، و این بدان معنی نیست که پیش‌دستی در جنگ بدون صدمه رساندن می‌تواند عملی شود». نگرانی‌های دیگری هم ابراز شده بود که از آن جمله نابرابری میان تعداد مسیحیان و مسلمانان درگیر در جنگ با آنها بود، ماهیت بیگانه سرزمینی که جنگجویان باید در آن می‌جنگیدند، و شرایط آب و هوایی و دسترسی به غذا بود، «چنین به نظر می‌آمد که گویی ما خدا را آزمایش می‌کنیم».

البته بر سر اهمیت فرستادن هیئت اعزامی به شرق مدیترانه تردیدهایی وجود داشت، به‌ویژه اینکه وادار کردن اروپاییان برای ساختن مستعمره در هر خطه‌ای که فتح می‌کردند، دشوار بود.<sup>۳</sup> اعتقاد به اینکه ضروری‌ترین مسئله در جنگ همان اهداف آن است، و از اینکه هر تصمیمی از سوی دستگاه پایی برای متمرکز کردن نیروها در یک جبهه معین استقبال شود، سیل اعتراضات را از سوی حامیان جنگ در صحنه‌های دیگر به هوا بلند می‌کرد که می‌توانست به لیست هومبرت اضافه شود.<sup>۴</sup>

1. Dominican

2. Humbert of Romans

3. Humbert of Romans, "Opus tripartitum", *Fasciculus rerum expetendarum et fugiendarum*, Edward Brown (ed.) (London, 1690), 2: 191-198.

۴. ر.ک: Elizabeth Siberry, *Criticism of Crusading, 1095-1274* (Oxford, 1985), pp.156-189.

بنابراین، شرایط برای هر هیئت اعزامی باید مناسب همان هیئت می‌بود و ویژگی‌های عمومی دستگاه پایی، حساسیتی بود که در دفاع از آن به کار می‌رفت، تا در حد امکان قاطعانه عمل شود. اعزام‌ها به شرق مدیترانه، شمال آفریقا یا شبه‌جزیره ایبری می‌توانست به عنوان واکنش در برابر خشم مسلمانان توجیه شود، یا به عنوان اقدامات قانونی برای بازپس‌گیری قلمرو مسیحیان باشد که در گذشته با تحمیل رنج فراوان تصرف شده بود. نیاز به بازپس‌گیری و کنترل بیت‌المقدس، شهری که دو مورد از مقدس‌ترین اماکن مسیحیت یعنی تمثال عیسی‌اصولوب و مقبره مقدس را در خود جای داده بود، انگیزه قدرتمندی به وجود آورده بود. چنان که در سال ۱۲۱۷م، واعظی به نام ژان آبوویل<sup>۱</sup> کلامی را با نقل قول از کتاب مقدس که: «میراث ما به دست بیگانگان و خانه‌های ما در دست غریبه‌هاست»، مطرح کرد:

میراث ما بهشت موعود، و مکانی که مسیح در آن رنج کشید و به خاک سپرده شد، خانه ماست، این ارثیه در دست کافران است... اکنون میراث مقدس ما تصرف شده است، به مکان مقدس ما بی‌حرمتی شده، و صلیب مقدس هم به بند کشیده شده است.<sup>۲</sup>

معمولاً برای دستیابی به بیت‌المقدس، نیروی تازه‌نفس برای صلیبیان شبه‌جزیره ایبری فرستاده می‌شد، چرا که بیشتر اسپانیایی‌ها به این باور رسیده بودند که بهترین مسیر برای دستیابی به سرزمین مقدس از طریق اسپانیا و شمال آفریقا است.<sup>۳</sup> عملیات نظامی در امتداد دریای بالتیک گاهی به دروغ به عنوان واکنش‌هایی برای تهدید مستعمره‌های مسیحی از سوی مشرکان بالت و لیتوانی به تصویر کشیده می‌شد.<sup>۴</sup> گاه هم جنگ‌ها بر ضد ملحدان و مخالفان سیاسی دستگاه پایی برای مقابله با تهدید داخلی و فعال به منظور یکپارچه‌سازی جهان مسیحیت، یا امنیت کلیسا شروع می‌شد و به وقوع می‌پیوست.<sup>۵</sup> پیتر مقدس، راهب بانفوذ بزرگ از دیر کلونی اظهار داشت که خشونت علیه مسیحیان هموطن، حتی قابل قبول‌تر از استفاده زور در برابر کفار است: وی بیان کرد که «کدام یک از اینها برای جنگیدن با شما و نزدیکانتان بهتر است، کافری

۱. John of Abbeville: (متوفی ۱۲۳۷م). فیلسوف، واعظ، نماینده پاپ و کاردینال بود. در الهیات از پیتر شانتر (Peter Chanter) و استفن لانگتون (Stephen Langton) پیروی می‌کرد.

۲. Lamentations 5: 2; John of Abbeville, "Sermo ad cruce signatos", *The Preaching of the Crusades to the Holy Land, 1095-1270*, Penny J. Cole (ed.) (Cambridge, MA, 1991), p.222.

۳. این موضوع در یک اثر جدید از سوی دکتر William Purkis مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴. Norman Housley, *The Later Crusades, 1274-1580* (Oxford, 1992), pp.337-339.

۵. Norman Housley, *The Italian Crusades* (Oxford, 1982), pp.35-62.